



# آزمایش الهی در تنگدستی و رفاه

(۲)

آیه الله جوادی آملی

«اللّٰهُ يَسِّطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيُعْدِرُهُ، وَفَرَحُوا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ اِلَّا مَتَاعٌ»  
(سوره رعد، آیه ۲۶)

قرآن، کتاب هدایت برای همگان

چون قرآن کتاب نور و هدایت است، لذا اگر مسائل عقلی را با برهان بیان فرماید، به آن اکتفا نمی کند، زیرا همه مردم به برهان دسترسی پیدا نمی کنند، از این رو است که می بینیم قرآن، همان معارف عقلی را بصورت مثل تبیین می کند تا بدست دیگران هم برسد. حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «القرآن مأدبة الله» - قرآن سفره عمومی خدای سبحان است. یعنی تنها حکما و علما و اهل برهان دعوت نشده اند، بلکه همه انسانها برای هدایت دعوت شده اند و چون فکر بسیاری از آنها با برهان و استدلال عقلی، مانوس نیست لذا خداوند همان معارف را در حد تنزل، به صورت یک مثل ذکر می کند تا دیگران هم متوجه شوند، و آن معارف را بپذیرند و به آن معارف گردن نهند و پس از شناخت، ایمان بیاورند. و آنچه در ایمان مؤثر است، زدودن آن علائق به طبیعت و دنیا است. و این مربوط به خصوصیت های فردی است. ممکن است کسی مسائل عقلی را خوب درک کند، اما در موقع ایمان آوردن، دیرتسلیم شود یا ممکن است کسی مسائل عقلی را در حد یک مثل بفهمد، نه برهان ولی در موقع پذیرش، زودتر از دیگران گردن نهد.

آن مرض و بیماری که نمی گذارد انسان به فهمیده اش اعتنا کند پس از علم ایمان بیاورد، مشترک بین عالم و جاهل است، یا گاهی در عالم بیشتر است از جاهل. و بهرحال این مربوط می شود به علاقه و محبت به دنیا که نمی گذارد انسان آنچه را که می فهمد، ایمان بیاورد. لذا قرآن کریم همه این حقایق را اول با برهان، تشبیه فرمود،

سپس اشکالات را ذکر کرد و یکی پس از دیگری به شبهات جواب داد. آنگاه همه این معارف را در حد یک تمثیل، منتزّل کرد که بدست همه افراد برسد، از آن پس به عاملی پرداخت که نمی گذارد اینها گردن نهند و ایمان بیاورند و آن علاقه به دنیا است؛ خواه در حکیم باشد و خواه در جاهل.

و برای اینکه قرآن به علاج این مسئله بپردازد، دنیا را تشریح می کند و به مردم می فهماند؛ آنچه که در دست آنها است، نشانه کرامت نیست. این آزمایش الهی است و چیزی جز امتحان افراد نمی باشد.

**قبض و بسط، غیر از فقر و غنی است**  
لذا بعد از آن میباید، این آیه را مطرح می فرماید: «اللّٰهُ يَسِّطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيُعْدِرُهُ» که مسئله قبض و بسط، مسئله زیادی و کمی، غیر از مسئله فقر و غنی است، سخن این نیست که کسی فقیر بماند یا در نظام اسلامی فقر را باید برطرف کرد؛ سخن از فقر و غنی نیست، بلکه سخن از افزایش و کاهش است، سخن از «بسط» و «قبض» است، که «بقدر» یعنی تنگ می گیرد و «بسط» یعنی گسترده می نماید.

قرآن کریم این معنی را به عنوان یک آیت الهی مطرح می کند زیرا عده زیادی کارشان مشترک است و بهره برداریشان مختلف. ممکن است دو نفر به اندازه هم در کشاورزی - مثلاً - کوشش کنند و یکی در اثر یک سلسله علل و عوامل پیش بینی نشده، بهره بیشتری برد و دیگری بهره کمتر. و ممکن است دو نفر در کنار هم مغازه باز کنند، مشتریها به سراغ یکی از مغازه ها بیش از دیگری بروند. این سلسله از امور در تحصیل روزی، از دست مردم خارج است. از آن طرف اسلام، همگان را به تحصیل رزق و روزی وادار کرده و می فرماید: کسی که بیکار باشد، دعایش مستجاب نیست.

از امیرالمؤمنین سلام الله علیه نقل شده که فرمود: «من وجد ماء



وترباً ثم افقر فأبعده الله». هر که آب و خاک به اندازه کافی داشته باشد، باز هم فقیر بماند، خداوند او را از رحمتش دور سازد. این یک نفرین تکوینی است؛ خواه یک فرد و خواه یک امت اگر آب و خاک به حد کافی داشته باشد، باز هم محتاج دیگران نباشد، از رحمت خاصه خداوند بدور خواهد بود.

از این بحث چنین نتیجه می‌گیریم که:

- ۱- قبض و بسط روزی، یک آیت الهی است.
- ۲- انسان در برابر قبض و بسطی که خداوند سبحان به او روا داشته، چه مال فراوانی به او بدهد و چه مال کمی، وظیفه‌ای دارد و او در معرض امتحان قرار گرفته است که باید وظیفه‌اش را به نحو احسن انجام دهد.

### بسط و قدر، آیت الهی است

در سوره روم نیز، این قبض و بسط به عبارتی دیگر به عنوان آیت الهی مطرح شده است می‌فرماید: «وإذا أذقنا الناس رحمة فرحوا بها وإن نصهم سبة بما قدمت أيديهم، إذا هم يقنطون»<sup>۲</sup>. اگر به مردم رحمتی چشاندیم، خوشحال می‌شوند و اگر رنج و بلایی در اثر اعمال خود، ببینند، از خداوند نومید می‌شوند. در حالی که باید بدانند هم آن بسط روزی، امتحان بوده و هم این تنگی معیشت آزمایش است: «اولم یروا ان الله یسط الرزق لمن یشاء ویقدر، ان فی ذلك لآیات لقوم یؤمنون»<sup>۳</sup>. آیا نمی‌بینند که خداوند روزی را بر برخی از افراد افزایش می‌دهد و بر برخی تنگ می‌گیرد. و اینها آیه‌ها و نشانه‌هایی است برای مؤمنان.

پس اینکه برخی از افراد از روی جهل و نادانی این بسط و قدر روزی را به عنوان «شانس» بیسریا کمتر معرفی می‌کنند، و به این امر خرافی تن در می‌دهند، باید بدانند که در اشتباه بزرگی بسر می‌زنند زیرا خداوند این را به عنوان یک نشانه و آیت الهی ذکر می‌فرماید، و تمام این مسائل روی نظام صحیحی می‌گردد که بگناهم حکیم آن را می‌چرخاند و این حالات گوناگون که برای افراد در مقطع‌های مختلف تاریخی رخ می‌دهد، آیت‌ها و نشانه‌های خداوند برای آزمایش و امتحان آنها است و لا غیر.

در همان حال که افزایش یا کمی معیشت، از نشانه‌های الهی و برای آزمایش مردم است، برخی از علل و عوامل تیز وجود دارد که اگر انسان بعضی از کارها را انجام بدهد، وسعت در معیشت او پیدا می‌شود.

### صدقه، پول را افزایش می‌دهد

حضرت امیر اسلام الله علیه می‌فرماید: «إذا ملقتم فئاحراً والله

بالصدقة»<sup>۱</sup>. اگر وضع مالی‌تان بد شد و گرفتار تنگدستی شدید، با صدقه دادن تجارت کنید.

صدقه عبادت است و باید انسان این عبادت را با احترام انجام دهد نه با ترخم. از امام علیه السلام سؤال شد به اینکه شما فرمودید: اگر صدقه بدهیم، مالمان زیاد می‌شود و ما هم صدقه دادیم و زیاد نشد؟! فرمود: چه مایالی دادید؟ اگر مال حلال پیدا می‌کردید و آن را انفاق می‌نمودید، ممکن نبود خدا اضافه نکند.

صدقه جزو عبادات است، و اشتباه بزرگی است که انسان عبادت را با ترخم انجام دهد بلکه باید با احترام باشد. پس اگر صدقه با تمام شرایطش انجام شود، آنجا است که خداوند مال انسان را اضافه می‌کند.

در قرآن می‌خوانیم: «وما آتیتم من رباً لیربونی اموال الناس، فلا یروا عند الله وما آتیتم من زکوة تریدون وجه الله فأولئک هم المضعفون»<sup>۴</sup>. آن سودی که شما به عنوان ربا دادید که بر اموال مردم رباخوار افزوده شود، نزد خدا هرگز نیفزاید و آن زکاتانی که برای رضای خدا به مستمندان دادید، ثوابش چندین برابر شود و همین زکات دهندگان هستند که بر اموال خود می‌افزایند.

پس اگر کسی به قصد ربا، مال می‌دهد که مالش زیاد شود، این مال هرگز زیاد نمی‌شود. این شخص دارد گودال می‌کند، به خیال اینکه تلی درست می‌کنند. این ربا را خدای سبحان گرفتار محاق می‌کند: «یسحق الله الزبوا ویربى الصدقات»<sup>۵</sup>. خداوند سود ربا را از زمین می‌برد و صدقات را افزایش می‌دهد، و ربا خواری گرچه یک نمون کاذبی دارد و کجید صناعی زرق و برق دارد ولی پایان کارش به محاق می‌آفتد. و اما صدقه دادن و زکات دادن، این را برجسته می‌کند.

عقله آن است که انسان بداند: ۱- قبض و بسط رزق، آیت الهی است. ۲- آزمایش و امتحان خدا است. ۳- کسی که مال دارد نباید از آن سوء استفاده کند.

۴- انسان نباید در برابر کسانی که مال دارند، تسلیم شود. اگر متسکنتی را دید، با اعجاب به وی نگاه کرد، بداند که خودش نقص دارد و آدم پستی است.

ما اگر بخواهیم بفهمیم، یک انسان بزرگ طبع و یا آدم پستی هستیم، امروز نباید خود را توزین کنیم. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «زنوا انفسکم من قبل ان توزنوا و حاسبوها من قبل ان نحاسبوا»<sup>۶</sup>. پیش از آنکه شما را وزن کنند، خودتان را وزن کنید و پیش از آنکه به حسابتان برسند، خویشتان را محاسبه کنید.

پس ما می‌توانیم امروز خودمان را وزن کنیم که یک آدم سنگینی



هستیم یا سبک. اگر یک انسان متمکنی به منزل ما آمد، ما در برابرش احساس حقارت کردیم، بدانیم که کوچک هستیم و اگر به عنوان یک فرد معمولی با او برخورد کردیم، ما انسان بزرگواری هستیم.

### صبر فقیر برتر از شکر غنی است

بهر حال، فقیر و ثروتمند هر دو در دار دنیا مورد امتحان قرار می گیرند، هر چند ظاهراً امتحان انسان فقیر و تنگدست، سخت تر و سنگین تر است و فقیر صابر ارزشش بیشتر از غنی شاکر است. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «ما احسن تواضع الأغنياء للفقراء طلباً لما عند الله واحسن منه تبه الفقراء على الأغنياء اتكالاً على الله»<sup>۱</sup>. تواضع اغنیاء در برابر فقراء، برای خدا خیلی ثواب دارد، اما بالاتر از آن، بی اعتنائی فقراء به اموال اغنیاء است و توکل آنها بر خدا می باشد. آزاد بودن فقیر است که افضل از تواضع و فروتنی غنی می باشد. چون همه این خطرات از حب دنیا نشأت می گیرد، لذا قرآن کریم گوشزد می کند که: ۱- این آزمایش است. ۲- نشانه کرامت نیست. ۳- همیشه نمی ماند. ۴- گاهی دست شما است و گاهی دست دیگران. ۵- همیشه یکسان نیست.

حالا اگر کسی با این نصائح قرآن، متنبه و متوجه نشد، وظیفه ما در برابر او چیست؟ این وظیفه را قرآن کریم، به دو نحو تبیین می کند. ۱- بیان سیره پیامبران ۲- بیان روش مؤمنین در برابر توانگران.

در باره روش انبیا در سوره سبأ چنین آمده است: «وما ارسلنا في قرية من نذير الا لاقال متفرهاً انا بما ارسلتم به كافرين. وقالوا نحن اكثر اموالاً واولاداً وما نحن بمعذبين. قل ان ربي بسط الرزق لمن يشاء ويقدر ولكن اكثر الناس لا يعلمون»<sup>۲</sup>. ما در هر شهری پیامبری فرستادیم، مشرکین و متمکنین آنان در برابر انبیا ایستادند و گفتند به آنچه شما به آن مبعوث شدید، کافر هستیم، و چون ما بیشتر اموال و اولاد داریم، اگر قیامتی هم باشد، ما عذاب نخواهیم شد! بگوای پیامبر به آنان: پروردگارم روزی را زیاد می کند یا کم می نماید ولی بیشتر مردم نمی دانند.

معلوم می شود این ثروتمندان چنین می پندارند حال که خداوند روزی بیشتری نصیبشان کرده و اموال و فرزندان بی شماری به آنها عنایت فرموده، دلیل و نشانی کرامت آنان است و می خواهد آنان را گرامی بدارد، ولی بیشتر مردم نمی دانند که این پول اضافی داشتن چیزی جز آزمایش و امتحان آنان نیست و بهرحال قبض و بسط روزی فقط و فقط بدست خدا است. ولی متمکنین بجای اینکه این را به عنوان آیت الهی بدانند، کرامت وهمی پنداشتند و در برابر انبیا ایستادند. در همین سوره سبأ آیه ۴۵ به بعد می فرماید: «و كذب الذين

من قبلهم وما بلغوا معشار ما آتيناهم فكذبوا رسلي فكيف كان نكير»- الان که مشرکین حجاز گفته تو را- ای پیامبر- تکذیب می کنند، برای این است که مشرکین گذشته نیز سخن انبیای معاصر خودشان را تکذیب کردند که این مشرکین غشری از اعشار تمکن آنها را نداشتند و ما آنها را از بین بردیم، اینها دیگر چه می گویند؟! قبل از این مشرکین، کسانی انبیاء و مرسلین ما را تکذیب کردند که اینها یکصدم قدرت آنها را ندارند، ولی وقتی عذاب ما آمده حیات آنها خاتمه داد. بنابراین، پیامبر در برابر آنها سخت می ایستد و می گوید آنچه عامل تکذیب شما است جز حیات دنیا چیز دیگری نیست. در صورت داشتن ثروت دلیل کمال نیست چنانکه نداشتن هم دلیل نقص نمی باشد.

حضرت امیر علیه السلام می فرماید: «ولقد كان في رسول الله صلى الله عليه وآله ما يدل على مساوي الدنيا وعيوبها، اذ جاع فيها قع خاصته، وزويت عنه زخارفها مع عظيم رفته، فينظر ناظر بعقله اكرم الله فحمداً بذلك ام اهانة فإن قال: اهانة، فقد كذب والله العظيم، وانى بالافك العظيم، وان قال: اكرمه، فليعلم ان الله قد اهان غيره حيث بسط الدنيا له، وزواها عن اقرب الناس منه، فتأسى متأسى بشيه، واقتص اثره، وولج مولجه، والا فلا با من الهلكة»<sup>۳</sup>.

روش حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم به ما می فهماند که دنیا نشانه کمال نیست و بیانگر ارزش دنیا نمی باشد، چرا که در یک دورانی، حضرت رسول با اصحاب خاصش، گرفتار فقر و تنگدستی و گرسنگی بودند و دنیا با همه زرق و برقش از آن حضرت رو برگردانده بود با اینکه آن همه قرب و منزلت نزد خدایش داشت، پس هر انسان خردمندی با عقل و هوش خوب بسجد و ببیند که آیا خداوند با این فقر و تنگدستی پیغمبرش را گرامی داشته و یا اهانت کرده است. اگر کسی بگوید که خدا پیغمبرش را با نداشتن، تحقیر کرده و اهانت نموده، به خدا قسم دروغی بزرگ گفته و گناهی عظیم مرتکب شده و اگر بگوید که خداوند با ندادن ثروت به پیامبرش، او را احترام کرده و گرامی داشته است، باید بداند که خداوند به آن کسی که مال داد، او را اهانت کرده است زیرا دنیا را برای او گسترده کرده و از نزدیکترین مردم به خودش، دور نگهداشته، پس هر انسانی باید به پیامبرش تأسی و اقتدا کند و راه او را دنبال نماید و در مسیر آن حضرت گام بردارد و گرنه از هلاکت ایمن نباشد.

- |                                |                               |
|--------------------------------|-------------------------------|
| ۱- قرب الاصابه ص ۵۵            | ۶- سوره بقره آیه ۲۷۶          |
| ۲- سوره روم آیه ۳۶             | ۷- نهج البلاغه خطبه ۸۹        |
| ۳- سوره روم آیه ۳۷             | ۸- نهج البلاغه قصار الحکم ۴۰۶ |
| ۴- نهج البلاغه- کلمات قصار ۲۰۸ | ۹- سوره سبأ آیه ۳۴ تا ۳۶      |
| ۵- سوره روم آیه ۳۹             | ۱۰- نهج البلاغه خطبه ۱۵۹      |